

چرخ بی آیین

درباره‌ی ابوالقاسم عارف قزوینی

فرهود صفرزاده



تشریح
فنیجان

تهران
۱۳۹۵

فهرست

پیش‌گفتار یازده

سرگذشت و سرنوشت

۱	سال‌های ۱۲۵۷ تا ۱۲۶۳
۳	سال‌های ۱۲۶۴ تا ۱۲۷۲
۵	سال‌های ۱۲۷۳ تا ۱۲۷۶
۷	سال ۱۲۷۷
۸	سال ۱۲۷۸
۱۱	سال ۱۲۷۹
۱۵	سال‌های ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۲
۱۸	سال‌های ۱۲۸۳ و ۱۲۸۴
۲۲	سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷
۲۳	سال ۱۲۸۸
۲۹	سال ۱۲۸۹
۳۰	سال ۱۲۹۰
۳۶	سال ۱۲۹۱
۴۰	سال ۱۲۹۲

۴۲	سال ۱۲۹۳
۴۷	سال ۱۲۹۴
۴۹	سال ۱۲۹۵
۵۲	سال ۱۲۹۶
۵۵	سال ۱۲۹۷
۵۷	سال ۱۲۹۸
۶۳	سال ۱۲۹۹
۶۵	سال ۱۳۰۰
۷۷	سال ۱۳۰۱
۸۶	سال ۱۳۰۲
۹۸	سال ۱۳۰۳
۱۰۶	سال ۱۳۰۴
۱۱۷	سال ۱۳۰۵
۱۲۶	سالهای ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷
۱۳۳	سالهای ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹
۱۴۰	سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱
۱۴۹	سال ۱۳۱۲

۱۵۷ فرازها و فرودها

۱۷۵	گاهنامه
۱۸۵	کتابنامه
۱۹۳	نامنامه

سرگذشت و سرنوشت

سال‌های ۱۲۵۷ تا ۱۲۶۳

ابوالقاسم عارف قزوینی در سال ۱۲۵۷ در قزوین به دنیا آمد. او فرزند ملاهادی وکیل و خانم‌ناز بود. در این سال، ناصرالدین‌شاه در سی‌امین سال سلطنتش بود. حدود هفده سال از درگذشت آقاعلی‌اکبر فراهانی، ردیف‌دان و نوازنده‌ی تار دربار قاجار می‌گذشت و فرزند سه‌تارنوازش میرزا عبدالله در سی‌وپنج سالگی و فرزند تارنوازش آقاحسینقلی در بیست‌وپنج سالگی در دربار به جای پدرشان نوازندگی می‌کردند.

خانه‌ی پدری عارف در کوی صوفیان از محله‌ی پنبه‌ریسه و در نزدیکی آرامگاه حمدالله مستوفی قرار داشت. تاریخ دقیق تولدش معلوم نیست و خودش می‌نویسد «اگر نتوانستم از عهده‌ی تعیین روز و شب یا ساعت یا دقیقه‌ای که از گتمِ عدم، قدم به عرصه‌ی وجود گذاشته [ام] به خوبی برآیم تقصیری از برآیم نخواهد بود. [...] تولدم قزوین است ولی زیست و زندگانی‌ام در شهر عشق» (۱۳۵۶: ۶۳، ۸۷). عارف در خاطراتش از تخریب آرامگاه مستوفی هم یاد کرده است:

«قبر حمدالله مستوفی [...] در قزوین، محله‌ی پنبه‌ریسه معروف به گنبددراز در همسایگی خانه‌ی ما بود. در طفولیت شنیدم کاشی‌های قیمتی آن را شبانه دزدیده و بردند» (۱۳۸۸: ۲۸۰).

اجدادش از طایفه‌ی کله‌بزی‌های رودبار الموت قزوین بودند و می‌گویند از زرتشتیان مهاجرِ مراغه به این ناحیه‌اند. پدر بزرگش کریم کله‌بزی و پدرش ملاهادی وکیل بود که به کار وکالت در عدلیه‌ی قزوین اشتغال داشت. خودش می‌گوید «یاد ندارم تاکنون اسم پدرم را به خیر و خوبی بُرده یا این‌که از برای او طلب آموزش کرده باشم و تمام بدبختی‌های خود را در دوره‌ی زندگی از او می‌دانم» (۱۳۵۶: ۶۴، ۶۵). عارف وقتی می‌گفت «ای بر پدرِ هرچه وکیل است، لعنت!» (۱۳۸۸: ۷۵) بیش‌ترین ناراحتی را نصیب خود می‌کرد چرا که اعتقاد داشت «پدر [...] برای هر پسری دارای مرتبه‌ی دومِ خدایی و در خور ستایش است» (همان: ۳۶۱) و شخصی با چنین بینش را درد محرومیت از خداوندگاری زمینی بس! هرچند از فرط استیصال فریاد زند که «روح یاغی و عاصی من نسبت به روح [پدرم...] عصیان ورزیده» (همان‌جا).

پدر و مادرش اختلاف و مجادله داشتند و عارف می‌نویسد «نطفه‌ی من به بدبختی بسته شده است. [...] به جهت خصومتی که مابین پدر و مادرم از اول عمر بوده است من و سایر برادرهای بدبختم همیشه مثل این بود که در میان دو ببر خشمگین زیست و زندگی می‌کنیم» (۱۳۵۶: ۶۴). مادرش، خانم‌ناز هنگام آشوبگری دشنام می‌داد و «کلمه‌ی کله‌بزی پس از هر بد و ناسزایی تکرار می‌شد» (عارف ۱۳۸۸: ۳۳۴).

او سه برادر دیگر به نام‌های عبدالکریم، محمود و احمد داشت و خودش پسر سوم خانواده بود. عبدالکریم به کار وکالت در عدلیه مشغول بود. برادر دوم، محمود، مغازه‌ی خرازی داشت و کوچک‌ترین

برادرشان، احمد در هجده سالگی بیمار شد و درگذشت.

سال‌های ۱۲۶۴ تا ۱۲۷۲

عارف از حدود سال ۱۲۶۵ شروع به تحصیل مقدماتی در مکتب‌خانه کرد. تصورش این بود که «پدرم به اندازه‌ی دماغ من از تربیت من غفلت کرد ولی به قدر گنجایش کله‌ی خود و تربیت آن زمان کوتاهی نکرد» (۱۳۵۶: ۷۰). «بعد از آموختن فارسی، علوم ادبیه را در محضر شریف فضلی قزوین تحصیل» کرد و از همان زمان به شعر و شاعری علاقه‌مند شد و «پس از خواندن گلستان حضرت شیخ سعدی، بی‌نهایت میل به کلیات سعدی پیدا کرده، اغلب غزلیات سعدی را در زمان کودکی حفظ داشته و همان اوقات هم گاهی شعر» می‌سرود (همان: ۷۶).

موسیقی و خوش‌نویسی، دو مقوله‌ای بودند که پدر عارف از مهیا کردن زمینه و شرایط آموزش آن‌ها به فرزندش کوتاهی و دریغ نکرد. ملاهادی او را در سال ۱۲۷۱ «به اولین معلم موسیقی، مرحوم حاجی صادق خرازی [...] سپرده، چهارده ماه در خدمت استاد بزرگوار خود به تحصیل این علم کوشید». عارف که موسیقی را علم می‌دانست، در دوران آموزش، دفترچه‌ای از اشعار فراهم آورد که در آن «به دستور معلم خود [...] به مناسبت هر آوازی، شعری داشت» (همان: ۷۱). او نوحه‌خوانی را «پیش‌درآمد روضه‌خوانی» می‌دانست و آن را هم از میرزا حسن واعظ قزوینی «پسر حاجی ملانوروز قزوینی که مردی فاضل و ادیب و در عصر خود بی‌نظیر بود» فراگرفت و «دو-سه سال در پای منبر مرحوم میرزا [حسن] مشغول نوحه‌خوانی بود» (همان‌جا). عارف آموختن موسیقی و آواز ردیفی - دستگاهی را نزد حاج ملاعبدالکریم جناب قزوینی و سید جعفر مجتهد لنگرودی ادامه داد و